

بنابر نوشته جراید، دوران سخت و پرتلاطم است و دلیل آن هم دو مساله بزرگ: یکی هجوم همه جانبه رایانه و دیگری گسترش نگران کننده جهان سوم. این مطلب درست است و بنده هم بر آن واقفم.

اخیراً، مسافرت کوتاهی برایم پیش آمد، یک روز در استکهلم و سه روز در لندن، در استکهلم فرصتی دست داد و ماهی آزاد دودی بسیار بزرگی به بهای مناسب خریداری کردم، ماهی در پلاستیک با دقت بسیار بسته بندی شده بود، فروشنده توصیه کرد که چون مدتی مسافرم، آن را در مکانی خنک حفظ نمایم. گفتنش ساده بود!

خوشبختانه، ناشرم در لندن اطاقی مجلل در هتل برایم گرفته بود و در آن یک یخچال - بار مناسب وجود داشت. در ورود به هتل، به نظرم آمد که در میان یک هیات در پکن به هنگام شورش بوکسرها گرفتار شده ام.

خانواده ها در سرسرای مهمانخانه اطراق کرده و مسافران روی چمدان های خود زیر پتوها به خواب رفته بودند. با پرس و جود از کارکنان هتل، که همگی هندی بودند و تعدادی هم مالزیایی، مشخص شد که مهمانخانه بزرگ از شب گذشته به سیستم رایانه ای مجهز شده که به دلیل تازگی از دو ساعت پیش از کار افتاده است. بدین ترتیب عملاً غیرممکن است مشخص شود کدام اطاق اشغال و کدام خالی است. پس شکیبایی باید.

اواخر بعدازظهر، رایانه تعمیر شد و من هم، اطاق خود را تحویل گرفتم. دلوپس ماهی آزاد، بالاخره از چمدان خارجش می‌کنم و به دنبال یخچال - بار اطاق می‌گردم.

معمولاً، یخچال - بارهای هتل‌ها حاوی دو بطری آبجو، دو بطری آب معدنی، تعدادی شیشه‌های کوچک مشروبات الکلی، مجموعه‌ای از آب میوه‌های متنوع و دو بسته آجیل شورند. اما، یخچال - بار هتل من، بسیار بزرگ بود و شامل پنجاه شیشه کوچک ویسکی و جین و کنیاک و دیگر الکلها، هشت بطری کوچک آب معدنی گازدار، دو بطری آب گازدار نوع دیگر، دو بطری آب معدنی بدون گاز، سه بطری شامپانی و تعداد زیادی آبجوهای با مارکهای مختلف، شراب سفید ایتالیا و فرانسه، بسته‌های بادام زمینی، بیسکویت شور، بادام، شکلات و قرص جوشان آلکالین. برای ماهی آزاد دودی من هم جایی نبود ولی دو کشوی بزرگ در اطاق وجود داشت، من هم محتویات یخچال - بار را در این کشوها خالی کردم و ماهی آزاد دودی را در یخچال قرار دادم و دیگر به این موضوع توجه نکردم.

فردای آن روز ساعت چهار بعدازظهر وارد اطاقم در مهمانخانه شدم، دیدم ماهی روی میز است و یخچال تا خرخره از فرآورده‌های قبلی پر شده. کشوها را باز کردم و دیدم آنچه شب قبل از یخچال - بار خالی کرده در آنها جا داده‌ام، موجود است. به پذیرش هتل تلفن کردم و گفتم خالی کردن یخچال نه به دلیل خوردن و نوشیدن محتویات آن که به علت جا دادن ماهی آزاد بوده است و نیاز به پر کردن یخچال نیست. پاسخ داده شد که این اطلاعات باید به رایانه هتل داده شود، چون کارکنان هتل انگلیسی نمی‌دانند و دستور شفاهی نمی‌توانند بگیرند و فقط به زبان Basic دستور می‌گیرند.

به اجبار دو کشوی دیگر را باز کردم و محتویات یخچال - بار را در آنها جا دادم و ماهی را به یخچال منتقل کردم. فردای آن روز، ساعت چهار بعدازظهر، ماهی دوباره روی میز بود و کم‌کم بوی مشکوکی از آن متصاعد می‌شد.

یخچال باز هم پر از نوشیدنی‌های غیرالکلی و الکلی و چوب شور و بادام و دیگر تنقلات بود. چهار کشوی اطاق پر بود و خاطره مخفی‌گاه‌های مشروبات الکلی زمان ممنوعیت را زنده می‌کرد. به پذیرش هتل تلفن کردم و معلوم شد رایانه دوباره دچار اشکال شده است.

به سرویس طبقه زنگ زدم و سعی زیاد کردم که وضعیت خود را به جوانی که موهای خود را بانوار بسته بود شرح دهم. متأسفانه او به گویشی سخن می‌گفت که بعدها یکی از همکارانم که در این مورد تخصص داشت گفت که فقط در کفیرستان در دوران اسکندر مقدونی رواج داشته است. صبح روز بعد، برای پرداخت صورتحساب مراجعه کردم. مبلغ نجومی بود. طبق این صورتحساب، در مدتی برابر دو روز و نیم، من چند صد لیتر شامپانی، ده لیتر ویسکی و دیگر

مشروبات مشابه از جمله انواع بسیار نادر و در نتیجه گران، هشت لیتر جین، بیست و پنج لیتر آب معدنی گازدار و بی‌گاز، مقدار قابل توجهی آب میوه حتی بیش از مصرف تمام کودکان یونیسف، چند کیلو بادام و گردو و بادام هندی بلعیده بودم. هر چه سعی کردم توضیح دهم، کارمند با لبخند ابلهانه که دندانهای سیاهش را نمایان می‌کرد، استدلال می‌کرد که رایانه این همه را ضبط کرده است. بالاخره تقاضای وکیل<sup>۱</sup> کردم، برایم انبه آوردند.

ناشرم بسیار عصبانی و مرا انگلی می‌انگارد که فقط برایش هزینه دارم. ماهی آزاد غیرقابل خوردن است. فرزندانم هم گفتند بهتر بود کمی کمتر مشروب می‌خوردی!



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- وکیل یا آووکا Avocat یا Avocado و میوه Avocat یا آووکادو به یک نحوه نوشته می‌شوند و طنز نویسنده است.